



دوماهنامه علمی- پژوهشی
د ۹، ش ۴ (پیاپی ۴۶)، مهر و آبان ۱۳۹۷، صص ۱-۲۷

تحلیل طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های فرآوند *الادب* و نقش آن در انعکاس فرهنگ

حسین تکتبار فیروزجائی*^۱، علی حاجی خانی^۲، غلامرضا بلوری^۳

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۹۷/۲/۲۴

دریافت: ۹۶/۱۱/۲

چکیده

ضرب‌المثل‌ها ریشه در فرهنگ و اندیشه همگانی مردم دارند و بررسی طرح‌واره‌های تصویری ضرب‌المثل‌های عربی، آشنایی عمیق‌تر با زندگی و فرهنگ عرب‌زبانان را منتج خواهد گشت. پژوهش حاضر به دنبال آن است که با روش توصیفی - تحلیلی، انواع طرح‌واره‌های موجود در هزار مورد از ضرب‌المثل‌های *فرائد الادب* را بر اساس الگوی طرح‌واره‌های تصویری اوانس و گرین در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی نماید؛ میزان کارآمدی انواع طرح‌واره‌های مطرح شده از جانب آنان را در تحلیل ضرب‌المثل‌های عربی بسنجد؛ درصد فراوانی انواع طرح‌واره‌ها را نشان دهد و برخی از دلایل کثرت نمود برخی طرح‌واره‌ها را تبیین نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد انواع طرح‌واره‌های ارائه شده از جانب اوانس و گرین در *فرائد الادب* یافت می‌شود و طرح‌واره میزان، بیشترین تعداد فراوانی و طرح‌واره غیر ماده پنداری، کمترین تعداد فراوانی را در ضرب‌المثل‌های بررسی شده دارا می‌باشد. حیوانات و عناصر طبیعت با توجه به نقش و حضورشان در زندگی اعراب، جایگاه برتر خود را در زبان نیز حفظ کرده‌اند. فعالیت‌های انسانی و همچنین اعضای بدن انسان نیز بخش مهمی از حوزه‌های مبدا ضرب‌المثل‌ها را از آن خود کرده و تجارب عینی کاربرد اعضاء در زندگی الگوی انتقال مفاهیم قرار گرفته است. عرب زبان موارد ملموس را به امور انتزاعی تسری می‌دهد، و به ندرت، عکس آن اتفاق می‌افتد. تعدد وجوه طرح‌واره‌ها در ضرب‌المثل‌های عربی نسبت به فارسی کم رنگتر است که زندگی و تجربیات ساده بادیه نشینان در این امر بی‌تاثیر نیست.

واژگان کلیدی: معنی‌شناسی شناختی، طرح‌واره تصویری، ضرب‌المثل‌های عربی، *فرائد الادب*.

۱. مقدمه

پیروان زبان‌شناسی شناختی^۱ بر این باورند که تجربیات انسان از جهان خارج به صورت الگوهایی در ذهن طبقه‌بندی می‌شوند و زبان ابزاری برای انعکاس این نظام ذهنی است. «آنان زبان را نوعی فعالیت ذهنی به حساب می‌آورند که تمامی سطوح نحوی، صرفی، واجی و معنایی آن در تعامل و تبادل با یکدیگر هستند؛ به طوری که تعامل میان ذهن و زبان و تجربیات انسان از جهان پیرامون منتهی به درک، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی پدیده‌ها می‌شود.» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۶۳) از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی شناختی، معنی‌شناسی شناختی^۲ است که به بررسی رابطه تجربه، نظام مفهومی، و ساختار معنایی زبان می‌پردازد و به شیوه مفهومی‌سازی توجه دارد و با این تصور که ادراک انسان از تجارب جسمانی او نشأت می‌گیرد و این گونه امکان تفکر و تعقل را فراهم می‌سازد، به مطالعه زبان می‌پردازد. در این دیدگاه، ساختارهای تصویری انسان در دو زمینه طرح‌واره تصویری^۳ و استعاره مفهومی^۴ بررسی می‌شوند و طرح‌واره‌های تصویری، پایه و اساس شکل‌گیری استعاره را فراهم می‌کند. در نظریه استعاره مفهومی "یک حوزه مفهومی در قالب حوزه مفهومی دیگر بیان می‌شود؛ به گونه‌ای که حوزه مقصد غالباً انتزاعی‌تر و حوزه مبدأ، عینی‌تر و ملموس‌تر می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) در مطالعه ضرب‌المثل‌ها می‌توان از دانش‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی و... استفاده نمود. در این میان، محققان شناختی، مثل‌ها را منبع مناسبی برای مطالعات خود دانسته و مکانیزم‌های مختلف شناختی همچون استعاره، مجاز، طرح‌واره تصویری و... را در تفسیر و درک مثل‌ها به کار می‌بندند. از دیدگاه آنان، طرح‌واره‌ها در مقولاتی چون طرح‌واره ظرف، طرح‌واره فضا، طرح‌واره نیرو، طرح‌واره جابجایی (حرکت)، طرح‌واره پیوستگی، طرح‌واره توازن و طرح‌واره وجود ظاهر می‌گردند (Evans, & Green, 2006: 190-191) بررسی طرح‌واره‌های تصویری موجود در ذهن گویشوران عرب‌زبان و مطالعه ضرب‌المثل‌ها در زبان عربی بر اساس معنی‌شناسی شناختی، ما را با فکر، فرهنگ و روحیات اقوام عرب آشنا می‌کند. بر اساس دیدگاه شناختیون مبنی بر اینکه «انسان آنچه را از پدیده‌های ملموس تجربه کرده است، به صورت انگاره‌ای به حوزه مفاهیم انتزاعی تسری می‌بخشد»؛ این مقاله می‌کوشد انواع طرح‌واره‌های موجود در هزار مورد از ضرب‌المثل‌های *قوائد الأدب* را بر اساس الگوی

طرح‌واره‌های اوانس و گرین در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی بررسی نماید؛ میزان کارآمدی انواع طرح‌واره‌های مطرح شده از جانب آنان را در تحلیل امثال عربی بسنجد؛ درصد فراوانی انواع طرح‌واره‌ها و برخی از دلایل کثرت نمود برخی طرح‌واره‌ها را تبیین نماید و در راستای آن به سؤالات ذیل پاسخ دهد: در مجموعه امثال فرائد الأدب، کدامین طرح‌واره‌ها از فراوانی بالاتری برخوردارند؟ تحلیل طرح‌واره‌های ضرب‌المثل‌های عربی در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی چه فایده و اهمیتی دارد؟

مقاله حاضر بر بنیاد پژوهش‌های متن‌شناسی مثل‌ها و رویکرد توصیفی تحلیلی استوار است. بنابراین با گزینش تصادفی هزار مورد از ضرب‌المثل‌های *فرائد الادب* به استخراج، تبیین و چگونگی عملکرد انواع طرح‌واره‌های موجود در آن پرداخته می‌شود تا چگونگی تسری ادراکات تجسمی به حوزه مفاهیم انتزاعی مورد ارزیابی قرار گیرد. فرضیه جستار حاضر این است که طرح‌واره‌های ظرف بودگی و طرح‌واره میزان، بالاترین فراوانی را در امثال عربی داراست. همچنین این‌که درک دقیق‌تر معانی عینی و استعاره‌ی ضرب‌المثل‌های عربی در کاربرد تجربی و انتزاعی آن در بستر معنی‌شناسی شناختی و طرح‌واره‌های تصویری حاصل می‌شود؛ چرا که بر اساس تجربه‌گرایی ذهن بشر، زبان را نمی‌توان جدای از تجسم بشری مورد مطالعه قرار داد.

۲. پیشینه تحقیق

مارک جانسن (۱۹۸۷) در کتاب بدن در ذهن، مبنای جسمانی معنا را بر حسب ساخت‌های طرح‌واره‌های تصویری مورد بررسی قرار داد. مولر و اورتون^۱ (۱۹۹۸) تمامی پدیده‌های جهان خارج را باهم مرتبط دانسته و ذهن و زبان انسان را نیز از این امر استثناء نمی‌دانند. تامس (۲۰۰۳) نیز طرح‌واره‌ها را با داده‌های مغز انسان و شناخت و ادراک جهان مرتبط می‌داند. اوانس و گرین (۲۰۰۶) نیز در حیطه طرح‌واره‌های تصویری از شهرتی جهانی برخوردارند و «در توصیف نظریه طرح‌واره‌های تصویری از دو اصل اساسی در معنی‌شناسی شناختی بهره می‌گیرند: ۱- فرضیه‌ای که ساختار مفهومی از تجسم مشتق می‌شود و به آن «فرضیه تجسم یافته» نیز می‌گویند که مطابق با نظریه جانسن (۱۹۸۷) است. ۲- فرضیه‌ای که ساختار معنایی، ساختار

مفهومی را منعکس می‌کند و به آن «فرضیه شناخت مفهومی» می‌گویند. (روشن و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸) بولدجان و اردلیک^۸ (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «جایی که زبان‌شناسی و مثل-شناسی به هم می‌پیوندند: نگاهی مقابله‌ای - شناختی به ضرب‌المثل‌های کرووات و انگلیسی»^۹، برای تحلیل مثل‌ها از ابزارهای شناختی استعاره مفهومی، مجاز، طرح‌واره‌های تصویری و نظریه ترکیب^{۱۰} استفاده می‌کنند. در این راستا در ایران نیز پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده که مهمترین آن‌ها عبارتند از: سیمین آریان فر (۱۳۸۵) به «بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی بر اساس طرح‌واره‌های تصویری» پرداخته و بدین نتیجه رسیده که طرح‌واره^{۱۱} و عضو «دست» بالاترین میزان فراوانی در میان ضرب‌المثل‌های مورد بررسی را داشته‌اند. شعبانیان (۱۳۹۱) در بررسی «طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان» نتیجه گرفته که طرح‌واره^{۱۲} مهارشدگی^{۱۳} و طرح‌واره^{۱۴} همسانی^{۱۵} به ترتیب بالاترین درصد فراوانی را در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان داشته‌اند و همچنین مفهوم بدن و سپس جانور، بیشترین بسامد وقوع را در میان مفاهیم به‌کار رفته اشغال کرده‌اند. فضائی و شریفی (۱۳۹۲) در «بررسی طرح‌واره^{۱۶} قدرتی در برخی از امثال فارسی» نتیجه گرفته‌اند که روحیه^{۱۷} قوی ایرانیان در رفع مشکلات، از دیرباز تاکنون از ویژگی‌های روان‌شناختی آن‌ها می‌باشد. روشن و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی ضرب‌المثل‌های شرق گیلان بر مبنای مدل طرح‌واره‌های تصویری ایوانس و گرین پرداخته‌اند. بختیاری و ایرجی (۱۳۹۵)، در بررسی «ضرب‌المثل‌های زبان فارسی با رویکرد طرح‌واره‌های تصویری»، نتیجه گرفتند که طرح‌واره^{۱۸} شیء^{۱۹} به درک بهتر ضرب‌المثل‌های فارسی کمک بیشتری می‌کند و طرح‌واره‌های حرکتی از بیشترین بسامد برخوردار است. یگانه و افراشی (۱۳۹۵) نیز با رویکرد شناختی به بررسی و تحلیل انواع استعاره‌های جهتی در قرآن کریم پرداخته‌اند. ولی در زبان عربی درباره تحلیل معنایی ضرب‌المثل‌های *قرآنی* در چهارچوب معنی‌شناسی شناختی و تبیین انواع و میزان فراوانی طرح‌واره‌های موجود در آن تحقیق مستقلی مشاهده نشده است که این امر لزوم انجام این پژوهش را سبب می‌شود.

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. زبان‌شناسی شناختی و معنی‌شناسی شناختی

در زبان‌شناسی شناختی، دانش زبانی انسان از توانایی شناختی انسان در سایر حوزه‌های شناختی متفاوت نیست. (1: Croft, & Cruse, 2004), همچنین دستور همان مفهوم‌سازی است و ساختار مفهومی را نمی‌توان به مطابقت‌های مشروط با صدق با جهان خارج تقلیل داد (همان: ۲) و از منظر تجربه‌گرایی «معنا و فکر و نظام‌های ادراکی انسان‌ها بر پایه حواس، تجارب فیزیکی و اجتماعی شکل می‌گیرند»^{۱۰} (Lakeoff, 1987: xi) در معنی‌شناسی شناختی به ساخت مفهومی پرداخته می‌شود که انسان از تجربیات جهان خارج در ذهن خود منعکس ساخته است (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۶۷). شناختی‌ها رفتار زبانی را بخشی از استعداد‌های شناختی انسان می‌دانند (همان: ۳۶۸) و به دنبال ارائه یک ساختار مفهومی، آن هم به شیوه‌ای که ما جهان را تجربه می‌کنیم، هستند. (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲) از دیدگاه آنان، معنا همان مفهوم‌سازی است و زبان به طور مستقیم واقعیت‌های جهان خارج را منعکس نمی‌کند. به عقیده لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) اندیشه انسان ماهیتی استعاری دارد و از اشیاء به شیوه‌ای که آن‌ها را تجسم می‌کنیم، سخن می‌گوییم.

۳-۲. طراحی‌های تصویری

رفتارها و اعمال روزمره، ساخت‌های بنیادینی در ذهنمان شکل می‌دهد که از آن برای درک مفاهیم انتزاعی‌تر استفاده می‌کنیم. «حرکت انسان و کارکردن با اشیاء و تعامل ادراکی، الگوهایی را تشکیل می‌دهند که تکرار شونده هستند و بدون آنها تجربه ما غیر قابل درک است. مارک جانسون این الگوها را طرح‌واره‌های تصویری می‌نامد.» (Taylor, 2002: 178) «در زبان‌شناسی شناختی، طراحی‌ها سطح اولیه‌تری از ساخت شناختی زیربنای استعاره^{۱۱} را تشکیل می‌دهند و امکان ارتباط میان تجربیات فیزیکی ما را با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری نظیر زبان فراهم می‌آورند» (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۷۳).

۳-۳. ضرب المثل

امثال در واقع فشردۀ افکار هر قومی (همایی، ۱۳۷۴: ۱۴۴) و نمونه‌ عالی از قریحۀ ادبی یک ملت است (بهمنیار، ۱۳۸۱: ۱۶) که با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و روانی، شنونده را به فکر فرو می‌برد (برقعی، ۱۳۶۴: ۵) چون حاصل میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته است که به آیندگان می‌رسد و آنان را با زندگی و آداب و رسوم پیشینیان آشنا می‌سازد» (آرین‌پور، ۱۳۷۴: ۴۵). فرائد الادب، مجموعه ضرب المثل‌هایی است گزینشی از مجمع الأمثال میدانی نیشابوری. این امثال دربردارندۀ خلیات و به ویژه فرهنگ عرب‌های دوران قدیم بوده و طرح‌واره‌های گوناگونی در آن وجود دارد که شمای کلی فراوانی انواع آن در نمودار ذیل نمایان است:



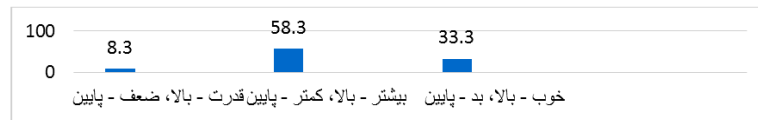
نمودار ۱. توزیع فراوانی انواع طرح‌واره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های فرائد الادب

Chart1. The distribution and frequency of image schemas in *Faraid al-Adab*

۴. تحلیل طرح‌واره‌های تصویری موجود در فرائد الادب

۴-۱. طرح‌واره فضا

شامل طرح‌واره‌های بالا - پایین، عقب - جلو، چپ - راست، دور - نزدیک، و مرکز - پیرامون است. (Evans, & Green, 2006: 190) هر شخصی با محور قرار دادن یک شیء یا جسم خود، وضعیت پدیده‌ها را نسبت به خودش یا آن شیء می‌سنجد و آن را در وضعیتی بالاتر، پایین‌تر و یا هم سطح آن درک می‌کند و این‌گونه طرح‌واره بالا - پایین در ذهن شکل می‌گیرد: *إِنَّ الْجَبَانَ حَتْفُهُ مِنْ فَوْقِهِ*^{۱۷}؛ *إِرْحَمَ مِنْ دُونَكَ يِرْحَمُكَ مَنْ فَوْقَكَ*^{۱۸}. در نمونه‌های فوق «مرگ، بالای سر انسان ترسو پنداشته شده، که به معنی چیرگی مرگ بر ترسو است. و «رحم کردن به زیر دست تا بالا دست رحم کند، به ترتیب نشانه ناتوانی زیردست و توانمندی بالادست است که به خوبی مفهوم «قدرت، بالا است» و «ضعف، پایین است» را نشان می‌دهد.



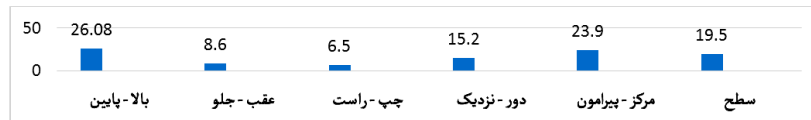
نمودار ۲. توزیع فراوانی مفهوم بالا - پایین در ضرب المثل‌های فرائد الادب

Chart2. The distribution and frequency of down-up schema in the *Faraid al-Adab*

انسان به واسطه تجربه قرار گرفتن خود در میان سایرین و یا دیگر پدیده‌ها ممکن است خود را عقب‌تر و یا جلوتر از شخصی یا چیزی بیابد. درک همین موقعیت‌ها، طرحوارهٔ عقب - جلو^{۱۹} را در ذهن می‌آفریند: *سَبَقَ سَيْلُهُ مَطْرَةَ^{۲۰}؛ سَبَقَ دِرَّتَهُ غِرَارَهُ^{۲۱}؛ لَا يُضِيعُ حَقَّ وِرَاءِهِ طَالِبٌ^{۲۲}*. در نمونه‌های فوق به ترتیب، «سیل، جلوتر از باران»، «قَلَّتْ شَيْرٌ، جلوتر از کثرت آن»، «طالب حق، عقب‌تر از حق» است که به ترتیب برای بیان مفاهیم انتزاعی قدرت و پیشی گرفتن «عمل از تهدید»، «بدی از خوبی»، «حق از طالبش» می‌باشد. تعیین جهت‌های چپ یا راست از کاربرد و اهمیت بالایی برخوردار بوده و به شکل قراردادی در ارتباطات و زندگی اجتماعی ما نیز نقش بازی می‌کنند و از درک این‌گونه تجارب مادی، «طرحوارهٔ چپ - راست»^{۲۳} در ذهن شکل می‌گیرد: *أَلْزَمُ مِنَ الْيَمِينِ لِلشِّمَالِ^{۲۴}؛ مَنْ لِي بِالسَّانِحِ بَعْدَ الْبَارِحِ^{۲۵}؛ هُوَ عِنْدِي بِشِمَالِ^{۲۶}*. در نمونه‌های فوق شاهد تمایز ویژه‌ای بین جهت چپ و راست هستیم. به طوری که می‌توان جهت راست را جهت اصلی و دارای حس مثبت و نیک و جهت چپ را عکس آن دانست. در فرهنگ عرب از دوران قبل از اسلام تاکنون، جهت‌های چپ و راست مورد توجه زیادی قرار گرفته به طوری که جهت چپ معمولاً نماد بدشگونی و جهت راست نماد خوش یمنی است. در قرآن کریم نیز این مسأله در قالب *أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَصْحَابِ الشِّمَالِ*، *أَصْحَابِ الْمِيمَنَةِ وَأَصْحَابِ الْمَيْسَرَةِ*، دریافت نامه اعمال با دست راست یا چپ و ... نمود فراوانی دارد. همانطور که در احکامی چون وضو، غسل و... توجه ویژه‌ای به چپ و راست شده است.

تجربه حاصل از درک ساختار دور - نزدیک از پدیده‌های اطرافمان، طرحوارهٔ دور - نزدیک^{۲۷} را در ذهن شکل می‌دهد: *كُلُّ آتٍ قَرِيبٌ^{۲۸}؛ مَا أْبْعَدَ مَا فَاتَ وَمَا أَقْرَبَ مَا يَأْتِي^{۲۹}؛ الْبُعْدُ جَفَاءٌ^{۳۰}*. در نمونهٔ اول، آینده، پدیده‌ای انتزاعی است که به صورت مکانی که به آن نزدیک می‌شویم، تصور شده است. در مورد دوم، آنچه از دست رفته، اعادهٔ حصول آن دشوار است؛ بدین ترتیب آن را بمثابة مکانی دور در نظر گرفته و همچنین آنچه می‌آید، مکان نزدیکی در نظر گرفته شده است. در

نمونه سوم، چون دور بودن از محبوب طاقت فرساست، نوعی جفا تلقی شده است. انسان به واسطه تجربه این که برخی اعضای بدنش نسبت به برخی دیگر نقش اساسی و مرکزی دارند، امکان قائل شدن این ویژگی را برای موارد انتزاعی فراهم می‌سازد: **واسطه القلاده؛ جاور ملکاً أو بحراً؛^{۳۲} أصلح نفسك يصلح لك الناس.^{۳۳}** در موارد فوق به ترتیب مهره گردن‌بند، پادشاه و خود انسان، نقش مرکزی و اصلی را ایفا می‌کنند که باید به آن‌ها توجه بیشتری شود و به ترتیب: «مهره‌های جانبی گردن‌بند»، «همسایه دریا یا پادشاه» و «مردم»، نقش پیرامونی گرفته‌اند که نسبت به نقش مرکزی، اهمیت کمتری دارند.



نمودار ۳. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره فضا در ضرب‌المثل‌های *فرائد الادب*

Chart3. The frequency of Subcategories of Space Schemas in *Faraid al-Adab*

۲-۴. طرحواره ظرف بودگی^{۳۴}

این طرحواره شامل طرحواره ظرف، طرحواره داخل-خارج، طرحواره سطح، طرحواره پر-خالی، طرحواره محتوا می‌باشد. تجربه‌های روزانه از ظرف می‌تواند قرار گرفتن در یک اتاق، یک فنجان چای، یخچال و فریزر و جز آن را شامل شود (لیکاف، ۱۹۸۷: ۲۷۱) در زندگی روزمره، بسیاری از مفاهیم را با استفاده از حروف اضافه‌ای همچون بیرون، بیرون از، داخل، به طرف داخل و... بیان می‌کنیم که همگی مربوط به طرحواره تصویری ظرف است. (Evans & Green, 2006: 180) **يَأْتِيكَ كُلُّ غَدٍ بِمَا فِيهِ؛^{۳۵} وَفِي الْأَرْضِ لِلْحَرِّ الْكَرِيمِ مَنَادِحُ؛^{۳۶} هَمَا زَنْدَانٍ فِي وَعَاءٍ؛^{۳۷} صَدْرُكَ أَوْسَعُ لِسْرُكٍ.^{۳۸}** در موارد فوق به ترتیب، روز به مثابه ظرفی در نظر گرفته شده که حوادث گوناگونی در آن واقع می‌شوند؛ انسان ارجمند و آزاده در پیاله زمین جایگیر شده است؛ نیکوکار و بدکار در یک ظرف در نظر گرفته شده‌اند. به عبارت دیگر برای روز، زمین، پیاله و سینه، حجم در نظر گرفته شده و چیزی در آنها واقع می‌شود.

انسان با تجربه قرار گرفتن خود و اشیاء داخل یا خارج از مکان‌هایی که دارای حجم بوده،

طرحواره داخل خارج را در ذهن خود خلق می‌کند: *حَظُّ جَزِيلٌ بَيْنَ شِدْقِي ضَيْعُمُ*^{۳۹} *حَافِظُ عَلَي الصَّدِيقِ وَلَوْ فِي الْحَرِيقِ*^{۴۰} *رُئِينِ فِي عَيْنِ وَالِدٍ وَلَدَهُ*^{۴۱}. در نمونه‌های فوق به ترتیب آرواره شیر، آتش و چشم پدر به‌مثابه ظرف تلقی شده‌اند که چیزی داخل یا خارج آن قرار می‌گیرد. در نمونه‌های ذیل نیز شاهد وجود حضور مفاهیم غیرمادی و غیر حسی همچون خنده، سختی‌ها، خاطر خواهی، آرزو، و ... هستیم که جهت سهولت درک به منزله ظرف تلقی شده‌اند: *المُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ*^{۴۲} *بَقِيَّةٌ فِي زَقْفَةٍ*^{۴۳} *تَرَكَتُهُمْ فِي حَيْصٍ بَيْصٍ أَوْ حَيْصٍ بَيْصٍ*^{۴۴} ... استفاده مکرر از اصطلاح داخل و بیرون سبب می‌شود مقادیر زیادی از پدیده‌ها و تجربه‌های روزمره ما بعنوان نمونه‌هایی از مفهوم طرح‌واره‌ای ظرف مقوله‌بندی شوند.

عرب‌زبان‌ها با تجربه پر یا خالی بودن ظرف‌ها یا احجام فیزیکی، انگاره‌ای در ذهنشان شکل گرفته که همان طرحواره پر - خالی است: *لا تَخْرُجُ النَّفْسُ مِنَ الْأَمَلِ حَتَّى تَدْخُلَ فِي الْأَجْلِ؛ خَلَا لِكِ الْجَوْ فَبَيْضِي وَاصْفَرِي؛ مَرَعِي وَلَا أَكُولَةَ*. در نمونه‌های فوق «نفس آدمی»، «فضا»، و «چراگاه» به‌مثابه ظرف تلقی شده‌اند که به ترتیب «خالی از آرزو، پرنده و چرنده» می‌باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که آنچه مردم از تجربه‌های مادی پر و یا خالی بودن ظرف‌ها درک نموده‌اند، در ذهنشان ذخیره گشته و بعنوان طرحواره‌های تصویری در نظام شناختی آنان مدفون گشته و به زبانشان راه یافته است.

مشاهده و درک محتویات داخل احجام، طرحواره محتوا را در ذهن تشکیل می‌دهد: *لَوْ كَانَ فِي الْبَوْمَةِ خَيْرٌ مَّا تَرَكَهَا الصَّيَّانُ*^{۴۵} *رَمَتْنِي بِدَائِهَا وَأَنْسَلَّتْ*^{۴۶} *سِرْكٌ مِنْ دَمِكِ*^{۴۷}؛ *الشَّرُّ أَخْبَثُ مَا أَوْعَيْتَ مِنْ زَائٍ*^{۴۸} در ضرب‌المثل‌های فوق به ترتیب «خیر»، «عیب و ایراد»، «راز» و «شرارت»، محتوای ظرف‌ها قلمداد شده‌اند.



نمودار ۴. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره ظرف بودگی در ضرب‌المثل‌های *فرائد الادب*
Chart 4. The distribution and frequency of container schema in the *Faraid al-Adab*

۳-۴. طرح‌واره جابجایی^{۴۹}

انسان به واسطه تجربه‌ای که از حرکت خود و مشاهده حرکت سایر پدیده‌های متحرک در جهان به دست آورده است، طرح‌واره‌ای انتزاعی از این حرکت فیزیکی در ذهن خود شکل می‌دهد. (غفاری، ۱۳۸۴: ۹۵) طرح‌واره نیروی جنبش، طرح‌واره مبدأ، طرح‌واره میسر و طرح‌واره مقصد از زیرمجموعه‌های این طرح‌واره‌اند.

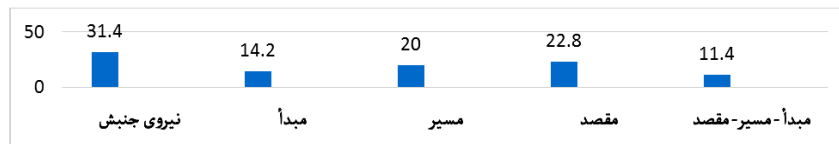
تجربه حاصل از اعمال نیروی جنبش و به حرکت منجر شدن چیزی، طرح‌واره نیروی جنبش^{۵۰} در ذهن انسان تشکل شده و به برخی از مفاهیم انتزاعی تسری می‌یابد: *مَنْ جَدَّ وَجَدَ*^{۵۱} *مَنْ جَالَ نَالَ*^{۵۲}؛ *الْحَرَكَةُ بَرَكَةٌ*^{۵۳} در نمونه اول، کوشش، مقدمه یافتن و در مورد دوم، گذشتن، دستیابی به چیزی و در نمونه سوم، حرکت، مایه برکت است و در همه موارد برای رسیدن به نتیجه‌ای، باید حرکتی صورت گیرد که در این حرکت، نیروی جنبش وجود دارد.

با مشاهده و تجربه حرکت پدیده‌ها از یک نقطه‌ای، طرح‌واره مبدأ در ذهن آدمی شکل می‌گیرد که در زبان فارسی، نقطه آغاز حرکت غالباً با حرف اضافه «از» و در عربی با حرف جر "مِنْ" همراه است. *تَرَكَ ظَبِيٌّ ظُلَّهُ*^{۵۴}؛ *أَتَرَكَ الشَّرَّ يَتَرَكُ*^{۵۵} در نمونه‌های فوق «ظِلٌّ»، مکان خوبی در نظر گرفته شده که آهو از آنجا رفته است و «شَرٌّ» مکان بد و خطرناکی لحاظ شده که از شخص خواسته می‌شود آنجا را ترک کند.

طرح‌واره مسیر با مشاهده حرکت پدیده‌ها در یک مسیر در ذهن انسان شکل می‌گیرد: *إِذَا قَطَعْنَا عَلَمًا بَدَأَ عَلَمٌ*^{۵۶}؛ *دُونَهُ النَّجْمُ*^{۵۷}؛ *سَيْلٌ بِهِ وَهُوَ لَا يَدْرِي*^{۵۸}؛ *الْحَسَنَةُ بَيْنَ السَّيِّئَتَيْنِ*^{۵۹} در مثال اول، شخصی با طی مسافت و مسیری، به کوهی رسیده، پس آن کوه، مسیری برای رسیدن به کوه دیگر شد که معنی انتزاعی بروز پیوسته مشکلات را تداعی می‌کند. در مثال دوم، ستاره به مثابه مسیری برای رسیدن به مقصد پنداشته شده است. در مورد سوم، شخصی از آسیب‌هایی که به وی رسیده بی‌خبر بوده و متوجه غرق شدن در سیل نیست. در مورد بعدی «خوبی» به مثابه مسیری میان دو بدی در نظر گرفته شده که معنای انتزاعی «میان‌روی» را تداعی می‌کند.

با مشاهده متوقف شدن اشیاء در حال حرکت در جهان خارج، در ذهن شکل می‌گیرد که در فارسی با حرف اضافه «به» و در عربی با «إِلَى» همراه است: *بَلَغَ السَّكَّيْنُ الْعِظْمَ*^{۶۰}؛ *يَحْمِلُ التَّمْرَ إِلَى الْبَصْرَةِ*^{۶۱}؛ *إِذْهَبْ إِلَى حَيْثُ أَلَقْتَ رَحْلَهَا أُمَّ قَشْعَمَ*^{۶۲} در نمونه‌های فوق به ترتیب، چراگاه،

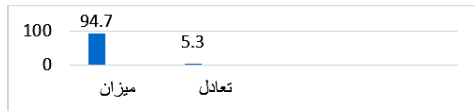
استخوان، بصره و آتش به منزله مقصد پنداشته شده و تجربه انسان از همین تجربیات مادی که با حرکت کردن به مقصدی می‌رسد، در درک مفاهیم انتزاعی به کار می‌رود. با تجربه حرکت یک شیء یا شخص که از نقطه‌ای شروع شده، از مسیری می‌گذرد تا به مقصد برسد، طرحواره مبدأ - مسیر - مقصد^{۶۳} در ذهن شکل می‌گیرد: لا يَتْرُكُ السَّاقَ إِلَّا مُمَسِكاً سَاقاً؛^{۶۴} كَالْمُسْتَجِيرِ مِنَ الرَّمْضَاءِ بِالنَّارِ؛^{۶۵} كَمْ نَيْنٍ مُرِيدٍ وَمُرَادٍ.^{۶۶} در نمونه اول، شخص از «شاخه‌ای» به عنوان مبدأ به «شاخه‌ای» دیگر (مقصد) می‌رسد و مسیری را هم باید طی کند. در مثال دوم شخصی از حوزه مبدأ (زمین داغ)، مسیری را پیموده تا به مقصد (آتش) پناه ببرد و در مثال پایانی نیز «مرید» به منزله مبدأ، و «مراد» به منزله مقصد پنداشته شده که مسیر میان آن دو بسیار طولانی است.



نمودار ۵. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره حرکتی (جابجایی) در ضرب‌المثل‌های فرائد‌الادب
Chart 5. The frequency of Subcategories of locomotion schema in the *Faraid al-Adab*

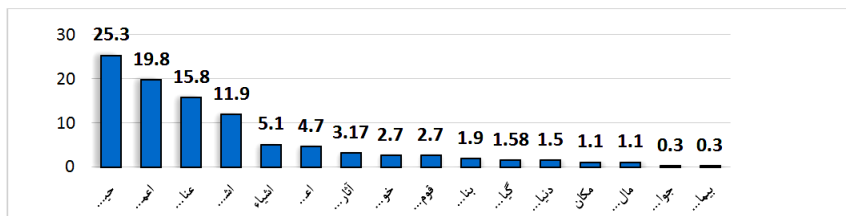
۴-۴. طرحواره توازن (تعادل)

با مشاهده و درک توازن و تعادل بین پدیده‌ها در ذهن شکل می‌گیرد که شامل طرحواره‌های میزان و تعادل می‌باشد. با تجربه حاصل از بررسی ویژگی پدیده‌ها و درک شباهت میان خود یا دیگران و آن پدیده، شکل می‌گیرد: أدب المرء خیرٌ من ذَهبه؛^{۶۷} أبعد من النجم؛^{۶۸} أتبع من الظل؛^{۶۹} رَبِّ حَالٍ أَفْصَحَ مِنْ لِسَانٍ؛^{۷۰} لَيْسَ الْخَبْرُ كَالْمُعَايَنَةِ.^{۷۱} این مثل‌ها و نمونه‌های فراوان مشابه آن، نشان می‌دهد که ذهن دائماً در حال مقایسه کردن است تا از این طریق، به میزان وجود خصوصیتهای در انسانی پی ببرد و او را در ادب، شرارت، نادانی و هزاران ویژگی دیگر با حیوانات، عناصر طبیعت، اشیاء و... مقایسه نماید.



نمودار ۶. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌ی توازن (تعادل) در ضرب‌المثل‌های فرآید‌الادب
Chart 6. The frequency of Subcategories of balance schema in the *Faraid al-Adab*

از طریق مشاهده تعادل بین پدیده‌ها شکل می‌گیرد: لا تُكُنْ حُلُوًّا فَتُسْتَرْطَ وَلَا مَرًّا فَتُعْقَى؛ لا تُكُنْ رَطْبًا فَتُعَصَّرَ وَلَا يَابِسًا فَتُكْسَرَ. در نمونه‌های فوق به ترتیب بین «تلخ - شیرین» و «تر - خشک» ارتباطی برقرار شده که به نقطه تعادل بین هر جفت اشاره شده است.



نمودار ۷. توزیع فراوانی انواع حوزه‌های مبدأ موجود در طرح‌واره میزان در ضرب‌المثل‌های فرآید‌الادب
Chart 7. The Subcategories of source domain in scale schema in the *Faraid al-Adab*

۴-۵. طرح‌واره نیرو - قدرتی^{۷۲}

با مشاهده و درک نیروهای موجود در طبیعت و تأثیر آن‌ها بر روی هم در ذهن شکل می‌گیرد و شامل طرح‌واره‌هایی چون: توانایی، اجبار، مانع، رفع مانع، انحراف و مقاومت می‌باشد، Evans (190: 2006 & Green) طرح‌واره توانایی با تجربه حاصل از مشاهده اعمال انرژی موجودات در انجام امور در ذهن شکل می‌گیرد: (Evans, & Green, 2006:189) **بِنَانِ كَفًّا لَيْسَ فِيهَا سَاعِدٌ؛^{۷۳} إِذَا جَاءَ الْحَيْنُ حَارَتِ الْعَيْنُ؛^{۷۴} مَا حِيلَةَ الرَّأْيِ إِذَا انْقَطَعَ الْوَتَرُ.^{۷۵}** در موارد فوق، نوعی عدم توانایی وجود دارد. در نمونه اول، انگشتان بدون بازو نمی‌توانند از عهده انجام کاری بر بیایند. در نمونه دوم، مرگ، توانایی انجام هر کاری را از متوفی می‌گیرد و در نمونه

سوم، تیرانداز با کمانی که زه آن پاره شده، نمی‌تواند تیراندازی کند.

یکی دیگر از زیر مجموعه‌های طرحواره نیرو، طرحواره اجبار است: *مَارِيَّةٌ لَا حَفَاوَةَ؛ كُلُّ الْجَدَاءِ يَحْتَدِي الْحَافِي الْوَقْع؛ الضَّرُورَاتُ تُبِيحُ الْمَحْظُورَات.*^{۷۸} در مثال اول، شخصی از روی نیاز مجبور است کاری را انجام دهد؛ در مورد دوم، شخصی که پاهایش زخمی است، جهت پیمودن مسیر سنگلاخی و صعب‌العبور مجبور می‌شود هر کفشی را بپوشد و در مورد سوم، نیازها انسان را وادار می‌سازد که نارواها را جایز شمارد. این مثال‌ها نشان می‌دهد انسان با تجربه پدیده‌هایی که در جهان پیرامونش تحت تأثیر نیرویی قرار گرفته، طرحواره اجبار در ذهنش ایجاد می‌شود و در مفهوم‌سازی امور انتزاعی آن‌ها را به کار می‌بندد.

طرحواره مانع نیز در مثال‌های ذیل مشهود است: *رُبُّ أَكْلَةٍ مَنَعَ أَكْلَاتٍ؛ حَالُ الْجَرِيضِ دُونَ الْقَرِيضِ؛ حَالُ الْأَجَلِ دُونَ الْأَمَل.*^{۸۱} در مثال اول، خوردن لقمه‌ای فاسد، موجب بیماری می‌شود و به دنبال آن، بیمار باید پرهیز نماید و این‌گونه، این لقمه مانع خوردن غذاهای دیگر می‌گردد. در مثال دوم، اندوه شدید، مانع شعر سرودن می‌گردد و در مورد سوم نیز در رسیدن مرگ، اجازه نمی‌دهد شخص به آرزوهایش برسد.

نمونه‌هایی از طرحواره انحراف در مثل‌های ذیل مشهود است: *إِنْ جَانِبُ أُعْيَاك فَالْحَقُّ بِجَانِبِ؛ يَسْتَفُّ التُّرَابَ وَلَا يَخْضَعُ لِأَحَدٍ عَلَى بَابٍ؛ مَنْ أُجْدَبَ انْتَجَعَ.*^{۸۲} در نمونه‌های فوق به ترتیب پهلوی خسته، فقر و خشکسالی به مثابه موانعی برای رسیدن به خواسته و هدف مورد نظر، قرار گرفته‌اند و وقتی شخصی با آن‌ها برخورد می‌کند، به نوعی مانع را دور می‌زند و راه انحرافی در پیش می‌گیرد.

زمانی که مانع از مقابل نیرو برداشته شده و نیرو آزاد می‌شود طرحواره رفع مانع به وجود می‌آید. (Evans, & Green, 2006: 188) *مَنْ خَطَبَ الْحَسَنَاءَ يُعْطَى مَهْرَهَا؛ لَيْسَ لِسُلْطَانِ الْعِلْمِ زَوَالٌ.*^{۸۳} در مورد اول، مهریه، مانعی برای ازدواج با زیباروی است و جهت رسیدن به هدف، باید این مانع را کنار زد. در مثال دوم نیز دانش، تمامی موانع را کنار می‌زند و این‌گونه، دانشمند به تمامی اهدافش می‌رسد.

با تجربه پدیده‌هایی که در برابر اعمال نیروی چیزی از خود مقاومت نشان می‌دهند، طرحواره مقاومت شکل می‌گیرد. (Evans, & Green, 2006:189) *الْحُرُّ حُرٌّ وَإِنْ مَسَّهُ*

الضَّرُّ: ^{۸۷} الإِحْسَانُ يَقْطَعُ اللِّسَانَ؛ ^{۸۸} خَالِفَ هَوَاك تَرَشُدًا. ^{۸۹} در مثال‌های فوق به ترتیب انسان آزاده در برابر گرفتاری‌ها مقاومت می‌کند و به ذلّت تن در نمی‌دهد؛ نیکوکار با نیکی کردن در برابر سرزنش‌ها و هجوها مقاومت نشان می‌دهد و در مورد سوم نیز مقاومت در برابر هوای نفس، راهی برای رسیدن به هدایت تلقی شده است.



نمودار ۸. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره نیرو در ضرب‌المثل‌های فراید الادب

Chart 8. The frequency of Subcategories of force schema in the *Faraid al-Adab*

۴-۶. طرح‌واره پیوستگی^{۹۰}

از طریق تجربه زندگی اجتماعی خود و زندگی موجودات بطور گروهی و روابط موجود بین آن‌ها، این طرح‌واره در ذهن شکل می‌گیرد که شامل زیرمجموعه‌هایی چون اتحاد، مجموعه، شکافتن، تکرار، کل - جزء، و ارتباط می‌باشد (Evans, & Green, 2006: 191) طرح‌واره اتحاد با تجربه حاصل از به هم پیوستن پدیده‌ها شکل می‌گیرد: لا تَدْخُلُ بَيْنَ الْبَصَلَةِ وَقَشْرِهَا؛^{۹۱} لا تَدْخُلَنَّ بَيْنَ الْعَصَا وَلِحَائِهَا؛^{۹۲} بِنَسِ الرَّدْفِ لَا بَعْدَ نَعْمَ.^{۹۳} در مثال‌های فوق، میان پیاز و پوست آن نوعی پیوستگی در نظر گرفته شده و از مخاطب خواسته که میان خویشان تفرقه نیندازد. در مورد دوم نیز ارتباط تنگاتنگی بین چوب دستی و پوست آن وجود دارد و این پیوستگی به رابطه میان دوستان صمیمی تسری داده شد. مثال سوم از مخاطب می‌خواهد که پس از گفتن «آری» به کسی، «نه» نگوید؛ چون بین این دو واژه پیوستگی لازم جهت هم‌نشینی وجود ندارد.

طرح‌واره شکافتن با تجربه حاصل از جدا شدن اجسام و موجودات ایجاد می‌شود: بَرِيَتْ قَائِبَةٌ مِنْ قَوْبٍ؛ تَفَرَّقُوا أَيْدِي سَبَا أَوْ أَيَادِي سَبَا. در مثال‌های فوق، در بیرون آمدن جوجه از تخم مرغ و پراکنده شدن اقوام سبا از همدیگر نوعی شکاف و جدایی وجود دارد.

طرح‌واره کل - جزء با تجربه حاصل از درک اجسام به صورت یک کل و مشاهده جزئیات آن شکل می‌گیرد: خُذْ الْأَمْرَ بِقَوَابِلِهِ؛^{۹۴} أَنْفُكَ مِنْكَ وَإِنْ كَانَ أَجْدَعُ؛^{۹۵} الْجُنُونُ فُنُونٌ.^{۹۶} در مثال‌های

فوق به ترتیب پذیرفتن کاری با مقدمات، نتایج و عواقب آن، به منزله یک کل دارای اجزاء در نظر گرفته شده است؛ بینی بریده، جزئی از کل بدن در نظر گرفته شده و غیر مستقیم از مخاطب می خواهد همنونان ضعیف را به عنوان عضوی از مجموعه اش بپذیرد و از آن‌ها نگریزد و در مورد اخیر، دیوانگی انواعی دارد که ویژگی مشترکی همه آن‌ها را در یک مجموعه گرد آورده است.



نمودار ۹. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره پیوستگی (اتحاد) در ضرب‌المثل‌های *فرائد الادب*
Chart9. The frequency of Subcategories of unity schema in the *Faraid al-Adab*

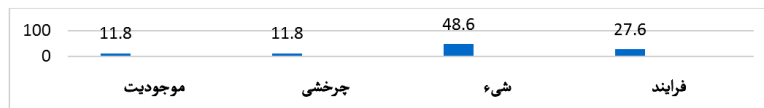
۴-۷. طرحواره انطباق و این همانی^{۹۷}

از طریق مشاهده و کشف شباهت پدیده‌های گوناگون در ذهن نقش می‌بندد & Evans, (Green, 2006:188) (أشبهه من الماء بالماء؛^{۹۸} إن الطيور على أشكالها تقع؛^{۹۹} ما أشبه اليلة بالبارحة.^{۱۰۰} در مثال اول، برای تبیین وجود شباهت تام بین دو چیز، از تجربه وجود شباهت بین آب‌ها بهره گرفته شده و با هم بودن پرندگان هم‌جنس در مثال دوم، به گردهم آمدن اشیاء، موجودات و مفاهیم هم جنس تعمیم داده شده و در مثال سوم نیز از وجود شباهت بین امشب و دیشب برای بیان مفهوم وجود مشابهت بین دو زمان مختلف استفاده شده است.

۴-۸. طرحواره وجود^{۱۰۱}

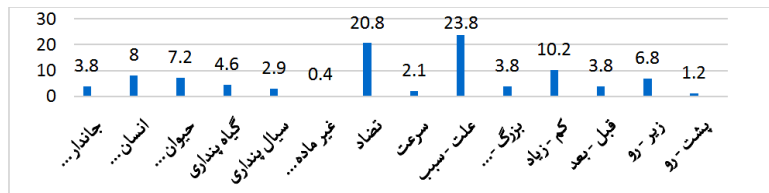
با تجربه حاصل از حضور انسان در مکانی و یا وجود اشیائی در پیرامونش شکل می‌گیرد و شامل زیر مجموعه‌هایی چون موجودیت، شیء، فرایند و... است: «Evans & Green, 2006: (191) حَیْثُ خُرَافَةٌ؛^{۱۰۲} إِسْمَعُ وَلَا تُصَدِّقْ؛^{۱۰۳} قَدْ اسْتَسَمَّنْتَ ذَا وَرَمٍ؛^{۱۰۴} در مورد اول با خرافه دانستن سخن، به حقیقت نداشتن و عدم وجود چیزی اشاره شده و در مثال دوم نیز به غیر واقعی بودن و عدم وجود چیزی اشاره شده است در مثال بعدی، پف بودن را به مفهوم انتزاعی

گول زنده بودن ظاهر شخصی یا چیزی تعمیم داده و تجربه حاصل از وجود یا عدم وجود اشیاء را به مفاهیم انتزاعی نسبت داده است.



نمودار ۱۰. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرحواره وجود در ضرب‌المثل‌های فرائد‌الادب

Chart10. The frequency of Subcategories of existence schema in the *Faraid al-Adab*



نمودار ۱۱. توزیع فراوانی زیرمجموعه‌های طرح‌واره‌های متفرقه در ضرب‌المثل‌های فرائد‌الادب

Chart11. The frequency of Subcategories of Other schema in the *Faraid al-Adab*

۵. بحث و بررسی

در ضرب‌المثل‌های فرائد‌الادب، طرحواره توازن بیشترین توزیع فراوانی را داراست و طرحواره‌های نیرو، پیوستگی، این‌همانی، وجود، ظرف بودگی، فضا و حرکت به ترتیب در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. در طرحواره فضا، طرحواره بالا - پایین از بیشترین فراوانی برخوردار بوده و طرحواره‌های مرکز - پیرامون، سطح، دور - نزدیک، عقب - جلو و چپ - راست در مراتب بعدی قرار دارند. در حیطه طرحواره ظرف بودگی، طرحواره‌های داخل - خارج، محتوا، پر - خالی و ظرف به ترتیب از بیشترین و کمترین شدت بسامد برخوردارند. در زمینه طرحواره حرکتی، طرحواره نیروی جنبش، بیشترین تعداد ضرب‌المثل را دارا است و در طرحواره توازن نیز طرحواره میزان. در حیطه طرحواره پیوستگی، طرحواره کل - جزء از بیشترین بسامد و طرحواره‌های ارتباط، اتحاد و شکافتن از فراوانی کمتری برخوردارند.

طرحواره میزان، حوزه مبدأ حیوان بیشترین تعداد مفهوم مبدأ به کار رفته را داراست و حوزه‌های مبدأ اعمال انسان، عناصر طبیعت، اشخاص مشهور، اشیاء، اعضای بدن، غذاها، اقوام و گروه‌ها، بناها و ساختمان‌ها، گیاهان، دنیا و روزگار، مکان‌ها و اموال، بیماری و جواهرات در مراتب بعدی قرار دارند.

شدت فراوانی طرحواره میزان و تعادل و استفاده فراوان از افعال تفضیل‌ها بیانگر این است که ذهن عرب زبان پیوسته در حال مقایسه هر چیزی یا شخصی با دیگر پدیده‌های پیرامونش می‌باشد. فراوانی بالای طرحواره نیرو که با تفاوت اندکی در مرحله بعد قرار دارد به خوبی بیانگر میزان فعالیت آنان جهت رسیدن به نیازهایشان است. در حیطه طرحواره نیرو، طرحواره توانایی از بیشترین بسامد، و طرحواره‌های مقاومت و اجبار، مانع و... در مراتب بعدی قرار دارند که این امر نشان می‌دهد که انسان‌ها تجربه مقاومت در برابر پدیده‌های فیزیکی را مبنا قرار داده و آن را به مفاهیم انتزاعی‌ای که فاقد ویژگی مقاومت در برابر نیروهای فیزیکی هستند، تسری می‌دهد. همچنین در مثل‌های عربی طرحواره نیرو و مانع رابطه عکس دارند؛ یعنی هرچه نیرو و تلاش و مقاومت بیشتر باشد، مانع کمتر ملاحظه می‌شود؛ همانگونه که در مثل‌های عربی اینگونه است. طرحواره چپ و راست بیشتر در صداقت، خیر و برکت، مقام و منزلت و همچنین مثل‌هایی نمود دارد که حاصل پندهای دانشمندان و پیشوایان بوده و حکمت گونه است. طرحواره ظرف بودگی و زیرمجموعه‌های آن نیز از بسامد بالایی برخوردار بوده و عرب زبان برای بیان مفاهیم مربوط به زمان، حالات انسانی، سختی‌ها، غم و آرزو، اسراف، تلاش، شرارات و... از تجربیاتی که با ظرف و مظهر داشته سود جسته است. طرحواره حرکت نیز خودش را در تلاش و جویندگی، کسب معاش، مسافرت، کوچ و جنگ نشان داده و به خوبی زندگی اعراب را به تصویر می‌کشد. حیوانات به عنوان یکی از مهمترین مظاهر خلقت در میان بدویان بخش قابل توجهی از ادبیات مثل‌ها را به خود اختصاص داده است؛ زیرا حیوانات اهلی مهمترین منبع امرار و معاش عرب‌زبانان بود و حیوانات وحشی و همچنین حیوانات جانوران خیالی در ادبیات مثل‌ها بخصوص مثل‌های منظوم بروز فراوانی دارد و به خوبی تصویرگر شیوه زندگی و تجربیات محیطی آنان است. اعضای بدن انسان در مثل‌های عربی نمود شدیدی دارد؛ چون بدن اولین و ملموسترین عنصری بود که در اختیارشان بوده و به همین دلیل شدت این فراوانی، عجیب و دور از ذهن نیست. در بین اعضای بدن انسان، دست و

پا، بیشترین میزان حوزه‌های مبدأ را به خود اختصاص داده که این مساله نیز توجیه شناختی دارد؛ چون این دو عضو بیشترین کارکرد را در زندگی بدویان به خود اختصاص داده و در دامداری، کشاورزی، کوچ، جنگ و ... به کمکشان آمد. اعمال انسان، عناصر طبیعت، اشخاص مشهور و ... نیز در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد میزان فراوانی حوزه‌های مبدأ در مثل‌ها نیاز چندانی به تحلیل و تفسیر ندارد و نمایش شدت بسامد هر یک از این حوزه‌ها، به خوبی جلوه‌گر محیط زندگی صاحبان این مثل‌ها بوده و تابلویی از شیوه زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم آنان را در برابر دیدگان مجسم می‌نماید. نتیجه اینکه محیط و فضای زندگی در شکل‌گیری طرح‌واره‌های ذهنی و ساخت‌های استعاره‌ای مربوط به آن نقش فراوانی دارد.

۶. نتیجه‌گیری

در ضرب‌المثل‌های فرائد، طرح‌واره توازن بیشترین توزیع فراوانی را داراست و طرح‌واره‌های نیرو، پیوستگی، این‌همانی، وجود، ظرف بودگی، فضا و حرکت در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. شدت فراوانی طرح‌واره میزان و تعادل نشان می‌دهد ذهن عرب‌زبان پیوسته در حال مقایسه است. فراوانی بالای طرح‌واره نیرو به خوبی بیانگر میزان فعالیت اعراب است. همچنین در مثل‌های عربی طرح‌واره نیرو و مانع رابطه عکس دارند. طرح‌واره چپ و راست بیشتر در خیر و برکت، مقام و منزلت و همچنین مثل‌های حکمت گونه که حاصل پندهای پیشوایان است، نمود دارد. طرح‌واره حرکت نیز خودش را در تلاش و جویندگی، کسب معاش، مسافرت، کوچ و جنگ نشان داده و به خوبی زندگی اعراب را به تصویر می‌کشد. حیوانات گوناگون و عناصر طبیعت با توجه به نقش و حضوری که در زندگی اعراب داشته‌اند، بخش برجسته‌ای از ادبیات مثل‌های عربی را به خود اختصاص داده و جایگاه برترشان را در زبان نیز حفظ کرده‌اند. فعالیت‌های انسانی و اعضای بدن نیز بخش مهمی از حوزه‌های مبدأ ضرب‌المثل‌ها را از آن خود کرده و تجارب عینی کاربرد اعضاء در زندگی، الگوی انتقال مفاهیم قرار گرفته است؛ زیرا بدن ملموسترین عنصری است که در اختیار اعراب بوده و به همین دلیل، شدت فراوانی آن چندان عجیب نیست. در بین اعضای بدن، دست و پا بیشترین میزان حوزه‌های مبدأ را به خود اختصاص داد؛ چون بیشترین کارکرد را در زندگی بدویان داشت. نمایش شدت بسامد هر یک از این حوزه‌های مبدأ در نمودارهای ارائه شده، به خوبی جلوه‌گر محیط زندگی صاحبان این

مثلها بوده، شیوه زندگی، فرهنگ و آداب و رسوم آنان را مجسم نموده و نشان می‌دهد بافت این مثلها به شدت تحت تاثیر محیط و فضای حاکم بر زندگی اعراب بوده است. عرب‌زبان موارد ملموس را به امور انتزاعی تسری می‌دهد، مثلا با وجود مکان به زمان پی برده و آن را درک می‌کند و به ندرت، عکس آن اتفاق می‌افتد. طرحواره‌ها معمولا از وجوه مختلفی از تجارب گرفته می‌شوند، ولی این تعدد وجوه در ضرب‌المثل‌های عربی کم رنگتر است و نسبت به مثل‌های فارسی در کمتر مواردی می‌توان شاهد وجود طرحواره‌های خوشه‌ای و شبکه‌ای از چند طرحواره بود که زندگی و تجربیات ساده بادیه نشینان در این امر بی‌تاثیر نیست.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. cognitive linguistics
2. cognitive semantics
3. image schema
4. conceptual metaphor
5. The Body in Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination, and Reason
6. Muller, & W. F. Overton
7. "How to Grow a Baby: A Reevaluation of Image-Schema and Piagetion Action Approaches to Representation",
8. Boldajan & Ordalic
9. «Where cognitive linguistics meets paremiology: A cognitive-contrastive view of selected English and Croatian proverbs».
10. blending theory
11. locomotion schema
12. inhibition schema
13. identity schema
14. object schema
۱۵. شناختیون معتقدند دانش زبانی در کاربرد زبان ظهور می‌یابد و مقولات و ساخت‌ها در معنی‌شناسی، نحو، صرف و واج‌شناسی بر اساس شناخت ما از پاره‌گفتارهای خاص در موقعیت‌های کاربردی خاص زبان ساخته می‌شود. (Croft, & Cruse, 2004: 3-4)
۱۶. در معنی‌شناسی شناختی، استعاره سازوکاری است که در سطح جمله و فراتر از آن در زبان تسری دارد. (افراشی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲)
۱۷. مرگِ ترسو، بالای سرش است.
۱۸. به زیر دست خود رحم کن تا بالا دستت به تو رحم کند
19. back – front schema

۲۰. سیل او از بارانش پیشی گرفت.
۲۱. شیر کم از شیر زیاد سبقت گرفت.
۲۲. حقی که دنبال‌کننده داشته باشد؛ پایمال نمی‌شود.
23. right-left schema
۲۴. پیوسته‌تر از دست راست به دست چپ.
۲۵. چه کسی میمنت را پس از نامیاری برایم فراهم می‌کند
۲۶. نزد من جایگاه چپ دارد.
27. near – far schema
۲۸. هر آینده‌ای نزدیک است.
۲۹. آنچه از دست رفته، چه دور است و آنچه می‌آید، چه نزدیک.
۳۰. دوری جفاست.
۳۱. گوهر در وسط گردن‌بند.
۳۲. همسایه شاه یا دریایی شو.
۳۳. خودت را اصلاح کن تا مردم نیز اصلاح شوند.
34. containment schema
۳۵. هر روزی همراه با خیر و شری که در آن است برای تو می‌آید
۳۶. در زمین برای آزاده و کریم جا بسیار است
۳۷. آن‌ها دو چیز هستند در یک ظرف
۳۸. سینه‌ات برای رازت وسیع‌تر است.
۳۹. بهره‌ای فراوان در کام شیر.
۴۰. از دوستت در آتش هم که باشد، محافظت کن!
۴۱. هر فرزندی در چشم پدرش زیباست.
۴۲. شادی مؤمن در چهره‌ی او و غمش در قلب اوست
۴۳. وراجی در میان خنده.
۴۴. در تنگنا آن‌ها را رها کردم.
۴۵. اگر خیری در جغد بود، شکارچی رهایش نمی‌کرد.
۴۶. عیب خودش را به من نسبت داد و گریخت.
۴۷. راز تو از خون توست.
۴۸. بدی، بدترین زادی است که انبان کرده‌ای
49. locomotion schema

50. momentum schema

۵۱. هرکه بکوشد، می‌یابد.
 ۵۲. هرکه بگردد، می‌یابد.
 ۵۳. حرکت برکت است.
 ۵۴. آهویی سایه‌اش را رها کرد.
 ۵۵. شر را رها کن تا رهایت کند.
 ۵۶. کوهی را پیمودیم و کوهی دیگر نمایان شد.
 ۵۷. در راه رسیدن به او باید از ستاره گذشت
 ۵۸. سیل او را برده است اما خودش خبر ندارد.
 ۵۹. خوبی میان دو بدی است.
 ۶۰. کارد به استخوان رسید.
 ۶۱. خرما را به بصره می‌برد
 ۶۲. برو جایی که ام قشعم رحلش را آنجا انداخت. ام قشعم شتری بود که رحلش را در آتش انداخت و مثل شد

63. source – path - destination schema

۶۴. تا شاخه‌ای را رها می‌کند، شاخه دیگری را می‌گیرد.
 ۶۵. مانند کسی که از زمین داغ به آتش پناه برد
 ۶۶. چقدر دور است مرید از مراد!
 ۶۷. ادب مرد بهتر از طلای اوست.
 ۶۸. دورتر از ستاره.
 ۶۹. پیگیرتر از سایه.
 ۷۰. بسا حال که گویاتر از زبان است.
 ۷۱. شنیدن کی بود مانند دیدن.

72. force schema

۷۳. انگشتان دستی که بازویی ندارد.
 ۷۴. مرگ که فرا می‌رسد؛ دیدگان حیران می‌گردد
 ۷۵. وقتی زه کمان پاره شود، تیرانداز چه کند؟
 ۷۶. از روی نیاز است نه مهربانی.
 ۷۷. پابره‌نای که پاهایش زخمی است هر کفشی را می‌پوشد.
 ۷۸. ضرورت‌ها ناروها را روا می‌سازد.

۷۹. چه بسا لقمه‌ای که مانع لقمه‌های بسیاری شد.
۸۰. اندوه مرگ مانع سرایش شد.
۸۱. مرگ مانع آرزو شد.
۸۲. اگر یک پهلویت خسته شد، به پهلوی دیگر تکیه کن.
۸۳. خاک را می‌خورد و در برابر کسی سر تعظیم فرود نمی‌آورد.
۸۴. کسی که دچار خشک‌سالی شود، پی مرتع جدید می‌گردد.
۸۵. کسی که زیبارویی را نامزد کند، مهریه‌اش را می‌دهد.
۸۶. قدرت علم را زوالی نیست.
۸۷. آزاده، حتی اگر گرفتار بلا شود، آزاده است.
۸۸. نیکی، زبان را می‌برد.
۸۹. با نفست مخالفت کن تا راه یابی.
90. unity schema
۹۱. میان پیاز و پوستش جدایی نینداز.
۹۲. هرگز میان عصا و پوستش وارد نشو.
۹۳. نه، بدترین چیزی است که می‌تواند پی «بله» بیاید.
۹۴. همه چیز را با چیزهایی که همراه دارد، بپذیر.
۹۵. بینات مال توست حتی اگر بریده باشد.
۹۶. دیوانگی انواعی دارد.
97. identity schema
۹۸. از آب به آب شبیه‌تر.
۹۹. پرندگان باهم جنس خود پرواز می‌کنند.
۱۰۰. چقدر امشب شبیه دیشب است.
101. existence schema
۱۰۲. خرافات است.
۱۰۳. بشنو و باور نکن.
۱۰۴. پُف کرده را چاق دانستی.

۸. منابع

- آراین پور، یحیی (۱۳۷۴). *از نیما تا روزگار ما*. تهران: زوار.
- آریان فر، سیمین (۱۳۸۵). *بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس طرح‌واره‌های تصویری در چارچوب معنی‌شناسی شناختی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه الزهرا؛ دانشکده ادبیات و زبان‌ها.
- افراشی، آریتا؛ تورج حسامی و بناتریس سالاس (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی». *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*. ش ۴ (پیاپی ۱۲). د ۳. صص ۱-۲۳.
- ————— (۱۳۹۵). *مبانی معناشناسی شناختی*. چ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- بختیاری تربتی، الهام و مریم ایرجی (۱۳۹۵). *ضرب‌المثل‌های زبان فارسی با رویکرد طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی شناختی*. چ ۱. تهران: راشدین.
- برقعی، سید یحیی (۱۳۶۴). *کاوشی در امثال و حکم فارسی*. قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- بهمینیار، احمد (۱۳۸۱). *داستان‌نامه بهمنیاری*. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی*. چ ۵. تهران: سمت.
- روشن، بلقیس، فاطمه یوسفی راد و فاطمه شعبانیان (۱۳۹۲). «مبنای طرح‌واره‌های استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان». *زبان شناخت*. پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی. س ۴. ش ۲. صص ۹۴-۷۵.
- سروش، تفضلی (۱۳۸۷). *بهترین حرف‌های دنیا*. قزوین: سایه گستر.
- شعبانیان، فاطمه (۱۳۹۱). *طرح‌واره‌های تصویری در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور واحد مرکز تهران.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها*. چ ۱. مشهد: آستان قدس رضوی.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۵). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. چ ۵. تهران: سوره مهر.
- ————— (۱۳۹۴). *معنی‌شناسی کاربردی*. چ ۳. تهران: همشهری.

- فضائی، مریم و شهلا شریفی (۱۳۹۲). «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضرب‌المثل‌های زبان فارسی». *زیانشناسی و گویش‌های خراسان*، د ۱، ش ۸، صص ۱۴۴-۱۳۱.
- غفاری، مهبد (۱۳۸۴). *بررسی فعل در زبان فارسی بر اساس نظریه معنی‌شناسی شناختی لیکاف*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبائی: دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». *تازه‌های علوم شناختی*. س ۴، ش ۱۵، صص ۶۴-۵۹.
- هاشمی، زهره (۱۳۸۹). «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون». *ادب پژوهی*. س ۴، ش ۱۲، صص ۱۳۹-۱۱۹.
- هاوکس، ترنس (۱۳۹۴). *استعاره*. مترجم: فرزانه طاهری. چ ۵. تهران: مرکز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). *معنی و بیان*. به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: هما.
- یگانه، فاطمه و آریتا افراشی (۱۳۹۵). «استعاره‌های جهتی در قرآن با رویکرد شناختی». *جستارهای زبانی*. د ۷، ش ۵ (پیاپی ۳۳). صص ۱۹۳-۲۱۶.

References:

- Afrashi, A & T. Hesami & B. Salas (2012). "A Comparative Study of Conceptual Oriental Metaphors in Spanish and Persian". *Comparative Literature Research (Language Related Research)*. 4 (12) Pp. 1-23.
- ----- (2016). *Basis of Cognitive Semantic*. First Edition. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Arianfar, S. (2006). *Investigating the number of Persian proverbs based on conceptual schemas in the framework of cognitive semantics*". Al-Zahra University: Faculty of Literature and Languages.
- Arianpour, Y. (1995). *From Nima to our time*. Tehran: Zawwar [In Persian].

- Bakhtiari Torbati, E & M. Iraj (2016). *Proverbs of Persian Language with the Approach of Conceptual Schemas based on Cognitive Semantics*. First Edition. Tehran: Rashedin [In Persian].
- Buljan, G. (2013). Tanja Gradečak-Erdeljić, "Where cognitive linguistics meets paremiology: A cognitive-contrastive view of selected English and Croatian proverbs".(ExELL) *Explorations in English Language and Linguistics*. Vol. 1, pp. 162-83.
- Burqei, S.Y. (1985). *A Research in Persian Proverbs*. Qom: Qom Publishers' Cooperative.
- Croft, W.& A. Cruse (2004). *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Evans, V.& Green (2006). *Cognitive Linguistics An Introduction*. Edinburgh University press.
- Fazaeli, M & Shahla Sharifi (2013). "Exploring force Schemas in Some Proverbs of Persian Language." *Journal of Language and Literature research and Khorasan Dialects*. 1(8): Pp.131-144
- Ghaffari, M. (2005). " the Study of verb in Persian language based on cognitive semantics theory of Lakof". PhD thesis of general linguistics. Allameh Tabataba'i University: Faculty of Foreign Languages.
- Gulfam, A. & F. Yousefi Raad (2002). "Cognitive Linguistics and Metaphor". *scientific research journal* . 4 (12). Pp 59-64.
- Hashemi, Z. (2010). "Conceptual metaphor theory from the perspective of Lakoff and Johnson". *Literary Studies (adab pajohi)A Quarterly journal of Persian language and literature*. 4 (12). Pp. 119-139.
- Hawks, T. (2015). *Metaphor*. Translator: Farzaneh Taheri. Fifth Edition. Tehran: markaz [In Persian].
- Homayi, J. (1995). *Meaning and Expression*. Researcher: Mahdokht banoo homayi. Tehran: Homa [In Persian].

- Johnson, M.(1987). *The Body in Mind. The Boldly Basis Of Meaning Imagination and Reason*. Vol. 4, Chicago: University Of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1987). *Woman, Fire and Dangerous Thing. What Categories Reveal about the Mind*. Chicago:university of Chicago press.
- Lakoff, G.& M. Turner. (1989). *A Field Guide To Poetic Metaphor*. Chicago: The University Of Chicago Press,
- Langacker, R. (1991) *Foundation Of Cognitive Grammar*. Vol. 2, Stanford: Stanford University Press.
- Muller, U. & W. F. Overton (1998). "How to Grow a Baby: A Reevaluation of Image-Schema and Piagetion Action Approaches to Representation". *Human Development*. (Karger AG). Vol. 41, Issue 2.
- Rasekh Mohaned, M. (2015). *An Introduction in Cognitive Linguistics*. Fifth Edition. Tehran: SAMT [In Persian].
- Roshan, B. & F. Yousofi Raad & F. Shabaniyan (2013). ""image Schema and Metaphors in the Proverbs of the Gilan". *Journal of Linguistics. Institute of Humanities and Cultural Sciences*. 4 (2). Pp. 75-94.
- Safavi, K. (2015). *Applied Semantics*. Third edition. Tehran: Hamshahri [In Persian].
- ----- (2016). *An Introduction in Semantics*. Tehran: Sureh Mehr[In Persian].
- Shakurzadeh Bolouri, I. (2001). *Twelve Thousand Persian Proverbs and Thirty Thousand equivalents*. Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Soroush, T. (2008). *The best Words in the World*. Qazvin: SayehGostar [In Persian].
- Talmy, L. (2000). *Toward a Cognitive Semantics*. Vol. 2. Cambridge: MA: MIT Press.
- Taylor, J. (2002). *Cognitive Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Thomas, N. J. T. (2003). *A Note on Image and Image Schema*. <http://www>.

Calstatela. Edu/faculty/n Thomas/ Schemata. Html

- Yeganeh, F. & A. Afrashi (2016). "Oriental metaphors in the Quran with a cognitive approach". *Language Related Research*. 7 (33) Pp 193-216.